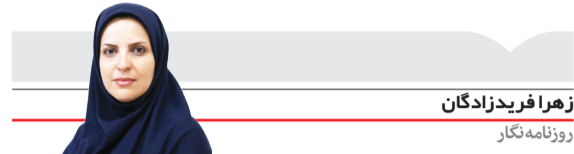




عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهیدبهبشتی در گفت و گو با «فرهیختگان»:

در سیاستگذاری، ارزشی برای پایان نامه های دانشجویی قائل نیستند



زهرا فریدزادگان

روزنامه نگار

پژوهش های علمی در فرآیند رونق اقتصادی نقش کلیدی دارند تا جایی که در کشورهای توسعه یافته، دولت ها به دانشگاه به عنوان مرکز پژوهش و تحقیق توجه می کنند و دستاوردهای علمی دانشگاه ها را الگویی برای حرکت در مسیر رشد اقتصادی قرار می دهند. اگرچه امروزه در کشورهای در حال توسعه نیز تلاش شده است دانشگاه ها به عنوان موثرترین عامل توسعه و رشد اقتصادی محسوب شوند و خط مشی اقتصاد را با تحقیق و پژوهش و در قالب پایان نامه ها و مقالات دانشجویی در اختیار دولت ها بگذارند، اما این مهم در بسیاری از کشورها محقق نشده و به رغم تولید الگوهای اقتصادی متعدد، این الگوها آن طور که باید و شاید، کارساز نبوده است. اینکه چه عواملی بر کارایی تحقیقات و پژوهش های دانشگاهی تاثیر گذار است یا چه عواملی موجب شده دولت ها تمایلی به الگوبرداری از تحقیقات دانشگاهی نداشته باشند، مقوله ای است که نیاز به آسیب شناسی دقیق و مبتنی بر چارچوب های علمی دارد.

اما آنچه تاکنون اثبات شده، این است که در کشورهای در حال توسعه، بهترین مسیر برای دستیابی به رشد و شکوفایی اقتصادی، دانش و فناوری است. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی محقق نمی شود مگر اینکه تولیدات علمی کشور مبنای حرکت اقتصادی قرار گیرد. اما ناگفته نماند زمانی نقش علم و فناوری در توسعه اقتصادی یک کشور پررنگ تر می شود که مراکز دانشگاهی، تحقیقات علمی و نوآوری های آموزشی جایگاه اصلی خود را پیدا کنند. هفته گذشته در گزارشی که در همین صفحه چاپ و منتشر شد، وضعیت و تعداد پایان نامه های اقتصادی که طی یکی دو سال اخیر در سه دانشگاه تهران، شهیدبهبشتی و دانشگاه صنعتی شریف ارائه شده است، بررسی و تحلیل شد. نتیجه بررسی ها چند آسیب جدی را در این زمینه نشان داد. نخست آنکه در سال های اخیر و با وجود بحران های اقتصادی ایران، تعداد پایان نامه هایی که به چالش ها و مشکلات اقتصادی ایران پیروزان، بسیار کم است. در واقع به نظر می رسد تمایلی از سوی دانشجویان برای نگارش پایان نامه های راهبردی که بتواند الگوی اقتصادی دولت باشد، وجود نداشته است. دوم، موضوعات اقتصادی که مدنظر دانشجویان برای نگارش پایان نامه قرار داشته است، بسیار پراکنده و غیرمنسجم بوده؛ گویی از سر رفع تکلیف، پایان نامه ای نوشته و ارائه شده است. نکته سوم اینکه آن تعداد اندک از پایان نامه هایی نیز که به موضوعات و چالش های مهم اقتصادی پرداخته و راهکارهایی را برای رفع آنها ارائه داده اند، هیچ گاه مورد توجه و استفاده دولتمردان قرار نگرفته است.

با این اوصاف باید دید خلأ اصلی و حلقه مفقوده ای که موجب گسستن پیوند میان دانشگاه و اقتصاد شده، چیست. حسین صمصامی، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهیدبهبشتی تهران در گفت و گو با «فرهیختگان» این موضوع را آسیب شناسی کرده که در ادامه می خوانید.

III

چرا در چندسال اخیر، چالش ها و بحران های اقتصادی چندان مورد توجه دانشجویان برای نگارش پایان نامه و مقاله نبوده است؟

بررسی این موضوع و دلایل آن باید با عقبگردی به وضعیت اقتصادی کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. پیش از آنکه به دلایل کمبود پایان نامه ها و مقالات دانشجویی با موضوعات اقتصادی بپردازیم باید با ذکر مثالی، وضعیت اقتصادی کشور را شبیه سازی کنیم. در واقع برای درک بهتر موضوع باید بازبانی این چالش را تحلیل کرد که آسیب های آن به خوبی نمایان شود. همه ما کم و بیش با بازی فوتبال آشنا هستیم. بازی فوتبال به چند بخش تقسیم می شود. یک بخش قواعد کلی فوتبال است که تعیین کننده قوانین و مقررات بازی است. برای مثال طبق قوانین فوتبال، ابعاد زمین، خط و اندازه دروازه، اندازه توپ، زمان بازی، شیوه و تاکتیک های بازی و... مشخص می شود. در این راستا ممنوعیت هایی نیز وجود دارد که در صورت انجام آن از سوی بازیکنان، خطا محسوب شده و برحسب خطا، جریمه هایی اعمال می شود. برای مثال حمل توپ با دست برای بازیکنان به جز دروازه بان ممنوع است و اگر یکی از بازیکنان با دست توپ را حمل کند خطا کرده است. به همه این قوانین که در واقع یک سری پایدها و بنیادها را برای بازی فوتبال مشخص می کند، مکتب یا مبانی گفته می شود.

بخش دوم، اجرای این پایدها و بنیادهاست که برای اجرای آن باید نظام سازی شود. در واقع بازیکنان به صورت نظام مند در چارچوب قوانین معین شده بازی می کنند. برای مثال باید قوانین تعیین شده در یک زمین مناسب که همان زمین فوتبال است، پیاده شود. برای مشخص شدن منطقه ۱۸ قدم باید زمین خط کشی شود. تور مناسب و در ابعاد مشخص شده در زمین نصب و نقطه پناثی و کرنر علامت گذاری شود. این اقدامات یعنی نظام سازی یا نظام مند شدن فوتبال. از سوی دیگر این قواعد و قوانین باید به بازیکنان دو تیم آموزش داده شود و مربی تیم با تمرین و آموزش قوانین بازی، بازیکنان را برای بازی در زمین فوتبال آماده کند.

بخش سوم با سوت داور مسابقه آغاز می شود. وقتی داور در زمین سوت می زند بازیکنان براساس قوانین و نظام بندی های معینی شروع به بازی می کنند. حین بازی، مفسران و تحلیلگران با علم و دانشی که نسبت به فوتبال دارند، با تماشای بازی، عملکرد بازیکنان را تحلیل و تفسیر می کنند. مربی هر تیم نیز بازیکنان خود و بازیکنان رقیب را زیر نظر می گیرد و هر کجا که بازیکنی خطا کرده یا بد بازی کند، گوشزد کرده یا دزبها می او را تعویض می کند. داور نیز در همه قسمت های زمین پایه پای بازیکنان حضور دارد و مواظب عملکرد آنهاست. بنابراین تحلیل بازی بسیار مهم است چرا که اگر تحلیل درستی از بازی ارائه نشود و نقاط ضعف و قوت بازیکنان مشخص نباشد، باعث باخت تیم می شود. در واقع زمین بازی و بازیکنان باید دائم رصد شوند.

ارتباط این سه بخش فوتبال با اقتصاد و پایان نامه های دانشجویی چیست؟

اقتصاد هم به همین سه بخش مهم تقسیم می شود. آنچه به عنوان علم اقتصاد در دانشگاه های کشور تدریس می شود و بر مبنای آن مقاله و پایان نامه دانشجویی نوشته می شود، مبانی اقتصاد یا همان مکتبی است که در فوتبال وجود دارد و باید و بنیادها و بنیادها بازی را مشخص می کند. اقتصاد مانند بازی فوتبال است؛ همان طور که زمین بازی فوتبال قواعد و باید و بنیادها و بنیادها فراوانی دارد باید در هر نظامی الزامات مشخصی وجود داشته باشد. مثلا نظام اسلام، نظام سرمایه داری و سایر نظام ها، هر کدام پایدها و بنیادها می دارند که هر کدام بر مبنای مکتب فکری مجریان آن نظام تعیین شده است. در نظام سرمایه داری گفته می شود افراد باید به دنبال منافع شخصی خودشان باشند، مالکیت، خصوصی است، نفع شخصی و فردگرایی مینا قرار دارد. همه این موارد مبانی فکری نظام سرمایه داری است. در نتیجه مجریان چنین نظامی براساس مبانی نظام سرمایه داری، نظام سازی می کنند تا در چارچوب آن نظام افراد بتوانند بازی و به منافع شخصی خود دست پیدا کنند. در واقع همان طور که در زمین بازی فوتبال خط کشی ها و داور و اندازه زمین و توپ و همه این موارد مشخص می شود، در اقتصاد نیز خط کشی ها مشخص می شود؛ به این معنا که قواعد مالکیت، ضمانت های اجرایی مالکیت، بانک، بیمه، بورس، مالیات و همه ارکان و مبانی اقتصاد تعیین می شود. همچنین پیامدهای عدم تعهد بازیگران به نظام بندی های تعیین شده نیز مشخص می شود. سیستم های نظارتی نیز که نقش داور مسابقه را به عهده دارند موظفند در چارچوب همان نظام سازی ها عمل کنند. پس از نظام سازی و قرار گرفتن همه بازیکنان سرجای خود، داور سوت بازی را می زند و بازی در زمین اقتصاد شروع می شود و چرخه اقتصاد با توجه به مبانی تعیین شده شروع به حرکت می کند. بازی اقتصادی که شروع شد، مفسران و تحلیلگران نیز کار خود را آغاز می کنند. نتیجه تحلیل تحلیلگران در این زمین، علم اقتصاد را پدید می آورد.

با توجه به مباحثی که مطرح شد، عدم توجه دانشجویان به بررسی

مسائل و چالش های اقتصادی، به کدام یک از بخش های زمین بازی اقتصادی بازمی گردد؟

فرض کنید زمین اقتصادی یک کشور براساس پایدها و بنیادها و بنیادها نظام سرمایه داری نظام بندی شده است و مفسران براساس این مبانی تحلیل های خود را ارائه می دهند. تحلیلگران با رصد عملکرد بازیگران اقتصادی، می توانند خوب یا بدون عملکرد آنها را مشخص کنند. برای مثال مفسران عملکرد بانک را به عنوان یک بازیکن در زمین اقتصادی زیر نظر می گیرند و تحلیل می کنند. در صورتی که عملکرد بانک درست و بر پایه مبانی تعریف شده باشد، اقتصاد روز به روز به تکامل می رسد، اما در صورتی که عملکرد بانک دچار اختلال و اشکال باشد، تحلیلگران و داوران مسابقه با تذکر و گوشزد اعلام می کنند که مثلا در برهه ای، دولت باید در امور بانکها دخالت کند یا سیاستگذاری جدیدی اعمال شود. حال، با این تفاسیر، به سراغ اقتصاد ایران می رویم؛ مبانی فکری اقتصاد ایران بر پایه مبانی فکری اسلام بنا شده است. یعنی پایدها و بنیادها و بنیادها آن را اسلام تعیین می کند. برای مثال در اسلام تاکید شده که ربا حرام است، مالکیت به صورت خصوصی، دولتی و تعاونی است و امثالهم. حال که پایدها و بنیادهای اقتصاد مشخص شد، باید نظام سازی صورت گیرد، همان طور که در نظام های دیگر مانند سرمایه داری براساس مبانی فکری، نظام سازی می شود. اولین نقطه مشکل ساز در اقتصاد، در بخش نظام سازی است. در واقع در اقتصاد ایران، مبانی، پایدها و بنیادها و اجزا و نهادها و بنیادها و بنیادها وجود دارد که قرار است به گونه ای از آن استفاده شود که قواعد و باید و بنیادها و بنیادها نظام اسلام پیاده شود. اینجا اولین مشکل پدیدار می شود. در نظام اسلام ربا حرام است، اما در اقتصاد ایران بانک ربوی سرمایه داری ایجاد می شود و از بانک خواسته می شود عملیات بانکی را بدون ربا انجام دهد. بورس در اقتصاد ایران از نظام سرمایه داری گرفته شده و قرار است طبق پایدها و بنیادها و بنیادها نظام اسلامی فعالیت کند. مالکیت خصوصی غرب، با همان نظامات را در ایران اجرا می کنیم بدون اینکه الزامات ضروری آن را به کشور وارد و اجرا کنیم. در چنین شرایطی، سوت آغاز بازی زده و بازی شروع می شود.

در نظام سرمایه داری داور و ناظری هست که پایه پای بازیگران حرکت می کند و بازیکنان نیز برای اینکه کارت زرد یا قرمز دریافت نکنند، قوانین بازی را رعایت می کنند. به این ترتیب است که بازی در ریل و مسیر درست خود قرار می گیرد و کسی از دایره فعالیت خود یا فراتر نمی گذارد. در حالی که در ایران بانک ها به جای بانکداری اسلامی، خلق پول می کنند و نقدینگی را بدون آنکه رشد اقتصادی اتفاق افتاده باشد، افزایش می دهند. این، یعنی ماهیت چنین بانکی نه ربوی به مفهوم واقعی غربی آن است و نه بانک اسلامی. در غرب، زمانی که رشد واقعی اقتصادی کاهش پیدا می کند، بورس وارد رکود می شود در حالی که در ایران وقتی رشد اقتصادی کاهش می یابد شاخص بورس به شدت افزایش می یابد. در نظام های سرمایه داری در صورت بروز چنین اتفاقاتی، داوران و ناظران سوت زده و با مشاهده خطا، به بازیکنان اختار می دهند در حالی که در ایران میلیاردها تومان اختلاس می شود و پس از مدتی اعلام می شود اختلاس شده است. در اصل سیستم نظارتی



یا داوری در این زمین وجود ندارد که پایه پای بازیکنان حرکت کند. در غرب اگر فردی فرار مالیاتی داشته باشد بلافاصله شناسایی و به محاکم قانونی سپرده می شود در حالی که در اقتصاد ایران، اشخاص میلیاردها تومان فرار مالیاتی دارند اما کسی برای خطای آنها سوت نمی زند. گویی که در این زمین بازی هیچ قاعده و اصولی برای بازی وجود ندارد و هر کس بسته به توان و قواعد خود هر نوع بازی ای که تمایل داشته باشد، انجام می دهد. این زمین بازی، دیگر زمین بازی نظام مند نیست بلکه یک بازی بلیشو و پرهج و مرجی است که اکنون نمونه آن در اقتصاد ایران مشاهده می شود.

با این حساب، تفسیر چنین بازی پرهج و مرجی، امکان پذیر نیست؟
بله. ما متقدم اگر ساختار یک زمین بازی درست باشد بازیکنان آن درست عمل کنند، داور نیز مراقب بازی بوده و به وقت سوت بزند، تحلیل درستی نیز از بازی می توان ارائه داد. اکنون با این نگاه می خواهیم نظام اقتصادی ایران را تحلیل کنیم و مقاله و پایان نامه بنویسیم. نتیجه آن مقالات و پایان نامه هایی می شود که معتقد هیچ ارزشی برای اقتصاد ایران و سیاستگذاری در این حوزه ندارد. حتی در مواردی که سیاستگذاری ها بر مبنای تحلیل های اقتصادی دانشگاهی نوشته شده، نتیجه ای جز رشد نقدینگی و تورم و کاهش تولید نداشته است. نمونه بارز این امر اوراق قرضه ای است که دولت با هدف جبران کسری بودجه منتشر کرده است. نتیجه انتشار این اوراق به جای کنترل نقدینگی، موجب رشد روزافزون آن می شود. مخلص کلام اینکه تحلیل های علم اقتصادی ما بر مبنای یک نظام سرمایه داری با بنیادهای تقریبا درست است که می خواهیم براساس مبانی اقتصاد کشور خودمان پیاده سازی کنیم در صورتی که نه بسترهای آن فراهم است و نه نهادهای درستی در کشور وجود دارد.

آیا تحلیل هایی که در این شرایط از اقتصاد ایران در قالب پایان نامه ها نوشته می شود، قابلیت اجرا در هیچ نظام اقتصادی را ندارد؟ آیا همین پایان نامه ها اگر در اقتصاد کشور دیگری ارائه شود، قابلیت اجرایی دارد؟

تحلیل های اقتصادی بر مبنای یک زمین بازی شکل گرفته که همه ارکان زمین در جای درست خود قرار دارند و نمی توان این تحلیل را روی یک اقتصاد بیمار که هیچ رکن آن در جای خودش قرار ندارد پیاده کرد. اگر قرار است تحلیل ها کارساز و مؤثرتر باشند باید زمین بازی متعادل شود. یعنی باید در مبانی اقتصاد کشور تغییر ایجاد شود. برخی موارد حذف و برخی موارد اضافه شود. برای مثال دیگر نباید بگوئیم بانکداری بدون ربا. در واقع باید مبانی ارزشی از نظام اقتصادی برداشته شود که در این صورت اصل انقلاب زیر سوال می رود و اگر قرار بود از مبانی ارزشی دست برداریم، چرا انقلاب کردیم؟ یا باید نظام بندی اقتصادی براساس مبانی اسلام به طور کامل و جامع اجرا شود که در این صورت منافع عده ای به خطر می افتد. به این پدیده التقاط گفته می شود؛ به این معنا که مباحث اسلامی و سرمایه داری با یکدیگر مخلوط شده و حال می خواهیم از اختلاط این دو مبحث یک عملکرد اسلامی داشته باشیم.

ارائه پیشنهاد تشکیل حوزه مدیریت امور هیات علمی در دانشگاه ها به وزارت علوم
سید امیر حسین فقهی، مدیر امور هیات علمی و دبیر هیات ممیزه دانشگاه شهیدبهبشتی در گفت و گو با خبرنگاری دانشجوی، درباره ایجاد ساختار جدید مدیریت امور هیات های علمی گفت: تعداد کمی از دانشگاه ها در کشور از چنین ساختاری برخوردار هستند. خوشبختانه این حوزه در دانشگاه شهیدبهبشتی تشکیل شده است. او ادامه داد: پیشنهاد تشکیل این حوزه را به وزارت علوم داده ایم تا با ابلاغ دستورالعملی تمامی دانشگاه ها از بخش مدیریت امور هیات های علمی بهره مند شوند. زیرا تمامی امور طی هر فرآیندی در قالب فراخوان، انتقال، ماموریت و خروج عضو هیات علمی به دلایلی نظیر بازنشستگی، خاتمه قرارداد، عدم تمدید قرارداد و ماموریت به بیرون توسط ساختار مدیریت امور هیات های علمی انجام می شود. آقای اظهار داشت: «مدیریت امور هیات های علمی علاوه بر دریافت حکم از سوی رئیس دانشگاه، از طریق وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز انتخاب می شود.»



اعتبار و سهمیه وام شهریه دانشگاه ها در سال جاری ارتقا یافت

ناصر مطیعی در گفت و گو با مهر با اشاره به پرداخت وام شهریه در سال جاری تحصیلی گفت: «صندوق رفاه دانشجویان ترم گذشته به تمام درخواست های وام شهریه دانشجویان پاسخ داده است و متقاضی وام شهریه ای دانشتیم که وام به آن پرداخت نشده باشد، او ادامه داد: «هر سال برای دانشگاه ها سقف اعتبار وام شهریه مشخص می شود ولی امسال دهم ترم به فروردین و اردیبهشت ماه سقف اعتبار و سهمیه وام شهریه دانشگاه ها به دلیل شرایط موجود ارتقا یافت به گونه ای که تعدادی از دانشگاه ها نتوانستند تمام آن سقف اعتبار را جذب کنند، چون تمام متقاضیان را پاسخ داده بودند. رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم با تاکید بر اینکه برای نیمیسال اول سال تحصیلی جدید نیز قرار است هیات امنای صندوق جلسه برگزار کند، گفت: «امسال برای اولین بار با شروع کرونا به اکثر متقاضیان سقف وام ضروری پرداخت شد، این در حالی است که سال های پیش سقف وام ضروری پرداخت نمی شد.»



مهلث جدید ثبت نام در آزمون کارشناسی ارشد

علوم پزشکی از امروز

باتوجه به درخواست مکرر داوطلبان، مهلت جدیدی برای ثبت نام، تصحیح و ویرایش اطلاعات از روز هفتم تا هشتم تیرماه ۹۹ در نظر گرفته شده است و افرادی می توانند از امروز نسبت به ثبت نام یا ویرایش در آزمون کارشناسی ارشد گروه پزشکی اقدام کنند. تاکنون ۷۹ هزار و ۲۶ نفر در آزمون کارشناسی ارشد گروه پزشکی سال ۹۹ ثبت نام کرده اند. همچنین جدول زمان بندی جدید اعلام شده است. در صورت ایجاد هرگونه تغییر، مراتب بلافاصله از طریق سامانه مرکز سنجش آموزش پزشکی اطلاع رسانی خواهد شد. لازم است داوطلبان جهت اطلاع از آخرین تغییرات هرروز سامانه را ملاحظه کنند.